

کتابشناسی کسروی

(طرح بسیار مقدماتی)

محمود کتیرائی

مقدمه

درباره سید احمد کسروی تبریزی (۱۳۲۴-۱۲۶۹) دانشمند آزاده‌ای که در این سی و چند سال در گسترش افق اندیشه طبقات گوناگون چند نسل اخیر ایران اثری در خور پروا نهاده است، تاکنون کتابی با ارزش که سیمای راستین اندیشه‌های او را بنمایاند، چاپ نشده است. آنچه درباره او و اندیشه‌هایش نوشته‌اند - خواه به گونه کتاب و خواه به گونه مقاله - بیشترینه پر از لغزش و کم ارزش است و درخور اعتماد مطلق نیست.

برای شناخت کسروی و اندیشه‌هایش، نخست باید همه نوشته‌های او، و نوشته‌های هواداران و پیروان (یا یاران) او، و نوشته‌های بسداندیشان و بدخواهان او را با باریک بینی و بردباری خواند. کسانی که تاکنون در باره کسروی چیزی نوشته و چاپ کرده‌اند، بسیاری از نوشته‌های او را نخوانده به داوری نهشته‌اند و پیدا است که نتیجه‌گیری‌های نادرست در ارزیابی اندیشه‌های او کرده‌اند.

يك چشمه از دشواریها، در زمینه کسروی شناسی، ناآگاهی از نوشته‌های پر شمار او و نیز از نوشته‌هایی است که در باره او چاپ شده است. ناآگاهی از نوشته‌ها و اندیشه‌های کسروی تا بدان پایه است که در لغت‌نامه استاد جاوید یاد علی اکبر دهخدا (جلد اثبات - اختیار، صفحه ۴۶۱) تنها چند سطر در باره او نوشته شده است، و در برشردن برخی از نوشته‌های او نیز دچار لغزش گردیده‌اند؛ چنانکه کتاب «چند تاریخچه» را از نوشته‌های او برشمرده‌اند که درست نیست^۱. این خود از عیبهای لغت‌نامه دهخدا است که

۱ - در این باره در متن فهرست توضیح داده‌ام.

مثلاً در بارهٔ ادیب‌پیشاوری بیش از یک صفحه و نیم نوشته شده است (نگاه شود به : اختیار - ازدها ، صفحه ۱۵۸۰ - ۱۵۷۹) اما دربارهٔ کسروی که همزمان او بوده است به چند سطر بسنده شده است .

آقای دکتر عبدالحسین زرین کوب نیز از رسالهٔ نادرشاه افشار تألیف احمد کسروی ، یاد کرده‌اند (تاریخ ایران بعد از اسلام ، تألیف عبدالحسین زرین کوب . ادارهٔ کل نگارش وزارت آموزش و پرورش تهران ، ۱۳۴۳ ، صفحه ۱۶۹) که درست نیست . همچنین آقای زرین کوب کتاب «چند تاریخچه» را هم از احمد کسروی دانسته‌اند (تاریخ ایران بعد از اسلام ، صفحه ۸۹۸) که این هم نادرست است .

در کتاب ارزشمند آقای خانباهاشار (فهرست کتاب‌های چاپی فارسی ، صفحه ۴۵۸) زیر «توقیعات کسری انوشیروان عادل» ، از چاپ‌هایی که از این کتاب شده است یکی را هم به احمد کسروی بسته‌اند . بی آنکه تاریخ چاپ آن را یاد کنند . - به گمانم این لغزش از آن جا پدید آمده که بر روی جلد یکی از چاپ‌های این کتاب (چاپ تبریز ، بکوشش حسین نخجوانی ، ۱۳۳۴) پس از یاد کردن «توقیعات کسری انوشیروان» نوشته است : «موسوم به دستور نامهٔ کسروی» . و آقای مشار کتاب را نخوانده از کسروی پنداشته‌اند .

در کتابشناسی دهسالهٔ ۱۳۴۲ - ۱۳۳۳ (تألیف آقای ایرج افشار و با همکاری آقای حسین بنی آدم ، چاپ انجمن کتاب ، ۱۳۴۶) نیز چندین کتاب از قلم افتاده است . خواه کتاب هائی از کسروی که دوباره و سه باره و گاه برای چندمین بار بچاپ رسیده و خواه کتابچه‌هایی که دربارهٔ او و نوشته‌هایش چاپ کرده‌اند .

پیداست که این لغزش - و کمی و کاستی‌ها از ارج کتابهایی که برشمرديم هرگز نمی‌کاهد .

کسروی از چهره های درخشان تاریخ ایران در این چهل سال است . از نخستین کسانی است که در راه رسا و توانا و آسان کردن زبان فارسی گام های گما بیش استوار و ارزنده برداشت ؛ یکی از چند تن تاریخنویس این چهل سال است که به پیشرفت تاریخنویسی به معنای علمی آن خدمت کرده‌اند ؛ از بنیانگذاران دبستان نوین زبانشناسی ایرانی است ؛ از هوشمندان انگشت‌شماری است که در این هفتاد ساله با آگاهی و بینش و تندى و بسى پروایی و دلیری و

بی باکی به جنگ پندارهای هزار ساله رفته اند؛ نخستین کسی است که درباره اروپایی گری، چند مقاله و کتاب نوشته و جانانه و کوبنده و با هشیاری تاریخی بر آن تاخته است؛ نخستین کسی است که در نهایت راستی و درستی، و سادگی و فروتنی و بدون سرسوزنی خودنمایی و خودستایی زندگینامه خود را نوشته است - و آن کتابی است در نوع خود بی همتا و سرمشقی است برای همه کسانی که به نوشتن زندگی نامه خود می پردازند.

افزون بر همه اینها، چیزی که ارج کسروی را بسیار بالامی برد اینست که او از جانباختگان کمیابی است که در راه سرفرازی ایرانیان، پاکدلانه و دلیرانه تلاشها کرد و سختیها کشید و سرانجام سر در راه اندیشه اس نهاد؛ از آدمهای کمیابی بود که دلی پاک و مهربان و نهادهای نیک دارند و دشمن بیداد و بیداد گراند و در گفتن اندیشه و باور خود دلیر و بی یگ و یکدل و یکزبانند و سختی کشی و تهی دستی و مردن را بر تن به پستی و خواری دادن و روح خود را به اهریمنان فروختن برتری می نهند.

از آنچه نوشته ام پنداشته نشود که پیرو راه او یا همنوای اندیشه های اویم. من خود نیک میدانم که چه در زمینه زبان فارسی و چه در زمینه تاریخ و چه در زمینه ادب فارسی، به لغزشهای بسیار دچار شده است. حتی شیوه نوشتن او را بویژه در واپسین سالهای زندگیش نمی پسندم؛ اما همه اینها مانع از آن چه نوشته ام نخواهد بود.

باری، درباره کسروی بحاست که پژوهشی دانشمندانه انجام پذیرد. در این سالها یک امریکایی بنام Staley که گویا زمانی از کارمندان اداره اطلاعات سفارت امریکا بود، از دانشگاه پرینستون به پژوهش درباره کسروی و کسرویان پرداخت. شنیدم که چند هفته ای در تهران ماند و حتی برای دیدن زادگاه کسروی به «هکماوار» (حکیم آباد) تبریز رفت.

من به پژوهش های فرنگیان در زمینه هایی مانند این، چندان باوری ندارم. کارهایی مانند پژوهش در زندگی و اندیشه های کسروی و زمانه ای که در آن میزیسته است تنها از دست یک ایرانی برمی آید و بس.

اینک نام کتابها و نوشته های کسروی و نیز آنچه را که همواداران و پیروان و دشمنان و بدخواهانش چاپ کرده اند، می آورم. هدف من در این کار

فهرست نویسی به مفهوم دقیق کلمه نبوده است. از همین روی خوانندگان نبایستی از آن چشمداشت یک فهرست را داشته باشند. آنچه خواهید دید، یادداشت‌هایی است که من برای خود به گذشت زمان فراهم آورده بودم و اکنون با افزایش و کاهش‌هایی به چاپ می‌سپارم. این «فهرست» پر از کمی و کاستی است و امید است دانشمندان و پژوهندگان گانی که دستیابی به مطبوعات گذشته برایشان آسان است، خود این کمی و کاستیها را پر کنند و اگر لغزشی در این یادداشت‌ها دیدند یادآوری فرمایند.

کسروی ماقند بسیاری از نام‌آوران بدخواه و بدگو بسیار داشت و دارد. از دانشمندان زمان ما کمتر کسی با او موافق است. برخی از آنان در کمال نیکدلی با او مخالفند و برخی دیگر به جهاتی دیگر. اما نسل جوان باید نوشته‌های او را بخواند و سخنان مخالفانش را هم بشنود و آنگاه آزادانه داوری کند چه «الاجابة قبل ان يسمع المعارضة قبل ان يفهم والحكم بما لا يعلم» شیوه دانایان و خردمندان و پویندگان راه راستی نیست.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

نوشته‌های کسروی

الف - نوشته‌های چاپ شده کسروی

- ۱ - شریعت احمدی ، تبریز .
این کتاب نایاب است و آن را ندیده‌ام . کسروی خود درباره آن نوشته است که آن را در بیست و چند سالگی که در تبریز درس میداده است ، از روی برنامه وزارت معارف برای دبستان‌ها نوشته است . (نگاه شود به : پرچم هکی ، شماره هفتم ، صفحه چهارم) .
در این کتاب دوازده امام را برشمرده و نام امام زمان را برده است . سال‌ها پس از چاپ این کتاب ، برخی از بدخواهانش در این باره به او خرده گرفتند و کسروی هم بداندان پاسخ داده است . (نگاه شود به : پرچم نیمه ماهه ، شماره ششم ، سال ۱۳۲۲ ، صفحه ۳-۲۶۲) .
- ۲ - النجمة الدرية ، تبریز .
کتابی است نایاب . ندیده‌ام . کتاب درسی است در خواندن عربی . آن را هنگامی که در مدرسه امریکائیان (مموریال اسکول) درس میداده است (در حدود سال ۱۲۹۴ خورشیدی) نوشته و چاپ کرده است .
- ۳ - الدرّة الثمينة ، تبریز ، ۱۳۳۷ قمری .
کتابی است درسی در صرف عربی . نایاب است و ندیده‌ام .
- ۴ - خلاصة النحو ، تبریز .
کتابی است درسی در نحو عربی . نایاب است . ندیده‌ام و نمیدانم با «الدرّة الثمينة» یکجا چاپ شده یا جداگانه چاپ شده است .
- ۵ - قهوه سوراة ، صیدا . ۱۳۰۳ .
نایاب است . ندیده‌ام . کسروی نویسد : «این کتاب که از قرآن به روسی تولستوی ترجمه کرده و از روسی به اسپرانتو درآمده بود ، من به عربی

گردانیده در سال ۱۳۰۲ درصیدا به چاپ رسانیدم، (نامه همبستگی، از انتشارات باهماد آزادگان، شماره ۲۰، تیر و مرداد ۱۳۴۷، نامه کسروی).

نویسنده این کتابچه «برناردن دوسن پیر»

Jacques Henri Bernardin de Saint Pierre .

است. یکبار آقای جمالزاده آن را ترجمه کرده اند و در سال ۱۳۴۰ قمری در برلن به چاپ رسانده اند. میرزا آقاخان کرمانی هم در نوشتن «هفتاد و دو ملت» به نوشته «برناردن دوسن پیر» نظر داشته است (نگاه شود به: اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، آدمیت، صفحه ۴۹).

گفتنی است که کسروی در دفتر مهرماه ۱۳۲۴، (صفحه ۳۱) به میرزا آقاخان کرمانی خرده گرفته است که: «کافه سورات نوشته برناردن دوسن پیر را گرفته و چیزهایی از خود به آن افزوده و کتابی به نام هفتاد و دو ملت پدید آورده بی آن که نامی از برناردن دوسن پیر ببرد و یا نبودن زمینه کتاب را از خودش بفهماند». این سخن کسروی سوء تفاهمی بیش نیست (نگاه شود به اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تألیف فریدون آدمیت).

۶ - حقایق عن اسپرانتو .

کتابچه‌ای است به زبان عربی که در حدود سال ۱۳۰۳ خورشیدی نوشته و گویا در همان سال و ظاهراً درصیدا چاپ شده است. نایاب است. ندیده‌ام.

۷ - آذری یا زبان باستان آذربایجان، قهران، ۱۳۰۴.

پس از چاپ این کتاب، نخست محمد احمد (خان بهادر) مقاله‌ای به انگلیسی در «تیمز عراق» (The Times of Mesopotamia) در باره آن نوشت. آنگاه «سردتسن راس» آن را با اندک کوتاهی به انگلیسی برگرداند و در ماهنامه انجمن آسیایی لندن (The Royal Asiatic Society) چاپ کرد؛ و یکی از ایران شناسان روسی آن را به زبان روسی درآورد و چاپ کرد؛ و دانشنامه بزرگ (انسیکلوپدی) اسلام که در حرف «الف» آذری را زبان ترکی آذربایجانی یاد کرده بود، پس از چاپ کتاب «آذری» در حرف «تاء» زیر واژه «تبریز»، نام «آذری» را برد و آن را شاخه‌ای از زبان‌های آری (ایرانی) نوشت و از کتاب «آذری» نیز نام برد (اقتباس از دیباچه چاپ دوم کتاب آذری).

محمد قزوینی نیز مقاله بسیار ستایش آمیزی در باره این کتاب نوشت که در ماهنامه ایران شهر (سال چهارم ، شماره دهم ، دیماه ۱۳۰۵ ، صفحه ۵۹۴ - ۵۸۶) چاپ شد . چند سطر از نوشته قزوینی را می‌آورم :

«... این رساله مختصر پنجاه و شش صفحه‌ای ، از وجنات آن معلوم است که نتیجه ماهها بلکه سالها زحمت و تتبع است و تقریباً هر سطر از سطور کوچک آن حاکی از مطالعه يك کتاب بزرگ است . زیرا که در این گونه مواضع بکر تازه که تا کنون کسی در آن خصوص قلمی به روی کاغذ نیاورده است کتاب تمام که شخص از سرتا به آخر آن می‌خواند بسا میشود که فقط يك سطر یا دو سطر راجع به مطلب خود پیدا میکند و اغلب اینست که هیچ پیدا نمی‌کند . اگر ایرانیان می‌خواهند در مقابل دعاوی بی‌اساس همسایگان کاری بکنند ، راه کار کردن را آقای سید احمد کسروی به ایشان نشان داده است .»

با چاپ و پخش این کتاب ، کسروی نامدار جهان دانش گردید و آوازه‌اش همه جا پیچید و پنج انجمن علمی بزرگ جهان او را به عضویت خود پذیرفتند . از آن میان «انجمن آسیایی لندن» و «آکادمی امریکا» - که بندها با بزرگواری بی‌مانندی از همه آنها خودکناره گرفت .

۸ - شهریاران گمنام ، (سه بخش) تهران ، ۱۳۰۷ و ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹ .

استاد سعید نفیسی با همه ناهمدلی هایش با کسروی و نیش‌هایی که به او زده است از این سه جلد کتاب بنام «سه جلد کتاب بی نظیر» یاد کرده است (نگاه شود به هفته نامه سپید و سپاه ، سال سوم ، بهمن ۱۳۳۴) .

کسروی درد بیباچه کتاب می‌نویسد که این کتاب «بخش‌های چهارم و پنجم بلکه ششم و هفتم نیز خواهد داشت» . اما این بخش‌ها چاپ نشد .

۹ - کارنامه اردشیر بابکان (متن پهلوی با ترجمه آن به فارسی) ، تهران ، ۱۳۰۸ .

این کتاب نخست در سال هشتم و نهم ماهنامه ارمغان (شماره ۲-۳ از سال ششم تا شماره ۸-۹ ، از سال نهم) و پس از آن در سیصد نسخه ، جداگانه چاپ شد . چاپ دوم آن در سال ۱۳۴۲ ، انجام شد .

کسروی زمانی در نزد هر تسفلد پهلوی می‌خواند .

سالها پس از چاپ این کتاب ، صادق هدایت ترجمه‌ای دیگر از آن را

چاپ کرد (زند و هومن یسن و کارنامه اردشیر بابکان، ۱۳۱۸). در سال ۱۳۲۹ نیز آقای محمد جواد مشکور، ترجمه‌ای دیگر از آن چاپ کرده‌اند (کارنامه اردشیر بابکان، کتابفروشی دانش).
 یادآور می‌شویم که نخستین ترجمه از «کارنامه» به زبان پارسی در سال ۱۸۹۹ در بمبئی به چاپ رسیده بوده است.

۱. - نامهای شهرها و دیه‌های ایران، (دوبخش) ۱۳۰۸ و ۱۳۰۹. کسروی خود نویسد: «نامهای شهرها و دیه‌ها، خود آن کتاب بزرگی است که نام پانصد آبادی از دبدۀ زبان شناسی دنبال گردیده و معنی‌های آنها روشن گردید و این کتاب را به آکادمی لنین گرادارمغان ساختم. ولی نمونه‌هایی از آن دو دفتر در تهران به چاپ رسانیدم. یکی از آکادمیست‌های شوروی ستایشی در باره یکی از این دو دفتر نوشته و این ستایش که به سفارت فرستاده شده بود از سوی ترجمان سفارت، طالب‌زاده، ترجمه یافته و در «ارمغان» به چاپ رسیده» (نامه همبستگی، شماره بیستم، تیر و م-رداد ۱۳۴۷: نامه کسروی).

در آغاز بخش دیگری از دفتر «نامهای شهرها و دیه‌های ایران» کسروی چنین نوشته است:

نخستین دفتری که در این باره (یعنی: نامهای شهرها و دیه‌های ایران) برای نمونه و آزمایش چاپ کردیم، در باره معنی‌های دو کلمه شمیران و تهران بود. دانشمند گرانمایه بیکوسکی از کارکنان آکادمی علوم اتحاد شوروی سوسیالیستی لنین گراد، کوششهای مرا در این راه نوین سودمند دانسته بر آن دفتر ستایش‌هایی نوشت و مرا ره نمود که در کوشش‌های خود در این باره با دانشوران استاد روسی از کارکنان آن انجمن دانشی که برای فن زبان‌شناسی جهان بنیاد نوینی بنام بافتنی‌شناسی گزارده‌اند رابطه داشته باشم (مقاله پروفیسور بیکوسکی را دوست دانشمند ما آقای طالب‌زاده از روسی به فارسی ترجمه و در شماره نخست از سال یازدهم ارمغان نشر کرده‌اند). این راهنمایی برابر آن واداشت که نتیجه‌هایی را که تاکنون از آن کوشش‌های خود درست کرده‌ام در این کتاب گردآورده بدان انجمن دانشوران هدیه نمودم که اگر شایسته دیدند حاشیه‌هایی از خویشتن بر آن افزوده و کتابی کامل و سودمند گردانیده به چاپ

رسانند و اگر شایسته ندیدند همین نسخه را در کتابخانه انجمن یادگار نگاه دارند (دفتر ادبیهست - خرداد ۱۳۲۶، صفحه پنجاه). کوتاه شده تقریظی که آکادمی لنین گراد بر دفتر «نامهای شهرها و دیدهای ایران» (بخش یکم) نوشت و به سفارت شوروی در تهران فرستاد و طالب زاده مترجم آن سفارت بخشی از آن را ترجمه کرد و در ماهنامه ارمغان بچاپ رسانید، این بود که «تاکنون در زبان شناسی دودبستان بیشتر نمی بود. یکی دبستان کهن غربی که دانشمندان اروپای غربی دنبال کرده اند، دیگری دبستان نوین یاقفی که آکادمی ما بیرق دار آن است. این جوان ایرانی که این دفتر را نوشته، پیروی از هیچ یک از آن دودبستان ننموده است و خود راه نوین دیگری را پیش گرفته است ولی به دبستان یاقفی ما بسیار نزدیک آمده است. آن جر بزه که در پیدا کردن معنی های درست؛ اژه های شمیران و تهران از خود نشان داده و آن راه راستی را که در جستجو کردن و دلیل آوردن پیش گرفته، ما را امید مند میگرداند که خواهد توانست این دبستان نوین را پیش برد و در آینده درست تر گرداند.» (دفتر خرداد ماه ۱۳۲۴ صفحه پنج)

همچنین «بوری نیکولایویچ» در مجله «بنگاه تاریخی و زبان شناسی قفقاز» (شماره هشتم، سال ۱۹۳۱، صفحه ۱۴-۱۲) مقاله ای درباره بخش یکم از دفتر «نامهای شهرها و دیه های ایران» نوشت.

۱۱- تاریخچه شیر و خورشید، تهران، ۱۳۰۹.

ترجمه فرانسوی بخشی از این کتاب به دست «قاپان» در «ژورنال دو تهران» چاپ شد (ماهنامه پیمان، سال چهارم، شماره یکم، صفحه ۴۳). در پاسخ خرده گیری یکی از خوانندگان این کتاب، کسروی مقاله ای نوشته است (نگاه شود به: پیمان، سال پنجم، شماره سوم؛ بهمن ۱۳۱۷).

«تاریخچه شیر و خورشید» کسروی نخستین کتاب است در این زمینه. پس از آن مقاله ای از استاد مینوی بنام «منشاء نقش شیر و خورشید» در «یادنامه دینشاه ایرانی» (بمبئی، ۱۹۴۳) چاپ شد و آنگاه کتابی از استاد سعید نفیسی بنام «درفش ایران و شیر و خورشید» (تهران، ۱۳۱۸) به چاپ رسید.

در سال ۱۳۴۴ نیز کتاب «تاریخچه بیرق ایران و شیر و خورشید» از آقای حمید نیرنوری (از انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی) چاپ

شد. در این کتاب چند بار به نوشته کسروی استناد شده و در دو جا نوشته کسروی را رد کرده است. (صفحه‌های ۱۲۶ و ۱۲۷)

پس از آنکه مقاله «تاریخچه شیر و خورشید» کسروی در شماره هفتم ماهنامه ارمنان چاپ شد محمدتقی بهار (ملك الشعرا) به امضای «گمنام»، مقالاتی بنام «انتقاد لفظی در مقاله شیر و خورشید آقای کسروی» چاپ کرد (نگاه شود به: ماهنامه آرمان، شماره دوم، دیماه ۱۳۰۹، و شماره سوم، بهمن‌ماه ۱۳۰۹) کسروی در شماره سوم «آرمان» به بخش نخست مقاله «گمنام» پاسخ داد و با هشیاری نویسنده «انتقاد» را شناخته بود، چنانکه در پایان پاسخش نوشته است: «... بیانات آقای منتقد به خطابه و هجو شاعرانه بیشتر شباهت دارد تا به يك رشته انتقادات علمی یا ادبی...»، در همین شماره سوم ماهنامه «آرمان» مقاله‌ای به خامه بهار، بنام «التنبیه علی حروف التصحیف» تألیف حمزه اصفهانی چاپ شده است، و در شماره چهارم و پنجم (اسفند ۱۳۰۹ و فروردین ۱۳۱۰) هم نامه «گمنام» در پاسخ به نامه کسروی درباره دنباله مقالات «انتقادات لفظی» که در شماره سوم «آرمان» چاپ شده بود - به چاپ رسیده است. همچنین در همین شماره ماهنامه، مقاله کسروی بنام «التنبیه علی حروف التصحیف» چاپ شده که پاسخی است به مقاله بهار.

در شماره ششم و هفتم (اردیبهشت و خرداد ۱۳۱۰)، «گمنام» که دریافتی بود کسروی او را شناخته است، نامه‌ای به امضای صریح «بهار» به ماهنامه فرستاده که چاپ شده است و از آن برمی آید که از در افتادن با کسروی پشیمان گردیده است.

در شماره هشتم و نهم (تیر و مرداد و شهریور ۱۳۱۰) در پاسخ نوشته بهار (که در شماره ۷ و ۶ آمده بود) نامه‌ای از کسروی در پاسخ بهار چاپ شده و داستان پایان یافته است.

۱۲- آیین، بخش یکم، ۱۳۱۱. بخش دوم، ۱۳۱۲.

چنانکه کسروی خود نویسد، خواست او از «آیین» همان است که که اروپائیان «اصول اجتماع» نام نهاده‌اند و من «آیین زندگی» می‌خوانم (ماهنامه پیمان، شماره سیزدهم، سال یکم، ص ۳۴).

تأثیر چاپ آیین در زمان خودش کمابیش مانند تأثیر کتاب «غریب‌دگی»

آل احمد بود در زمان ما . و باید گفت که مقالات دکتر شادمان که در بنام چاپ شد ، و مجموعه مقالات آقای محمد علی اسلامی بنام « بدنیال سایه های » و « غربزدگی » شادروان آل احمد ، و حتی مقالات برخی از نویسندگان مطبوعات (مانند علی اکبر کسمایی) حلقه‌هایی از زنجیری است که سر حلقه آن ، کتاب « آیین » کسروی است .

پس از چاپ بخش یکم « آیین » شخصی بنام « لبقوانی » مقاله‌ای بنام « چه لازم داریم ؟ نه داروین گری نه گاندهی بازی » نوشت که چاپ شده است (نگاه شود به : شفق سرخ ، شماره یازدهم ، فروردین ۱۳۱۲) .

این که کسروی از اندیشه گاندهی تأثیر پذیرفته باشد ، در همان زمان‌ها در کتاب دیگری هم مطرح شده است (نگاه شود به کتاب اختلاف هندوستان ترجمه ر. نامور ، زیر نویس صفحه ۷۷-۷۶) . اما کسروی در مقاله‌ای بنام « نگاهی به هندوستان » نوشته است :

«... از موضوع ماشین اندیشه پیشوای هند در خورد پذیرفتن نیست ، زیرا راست است که ماشین یا حال کنونی نیش زیان آور می باشد باین دلیل که هر کجا رواج گرفته زندگی رو به سختی آورده ، چیزی که هست ما باید این حال را از میان برداریم نه آن که از ماشین چشم ببوشیم . ما این زمینه را روشن گردانیم که چون آیین زندگی امر روزی نبرد و کشاکش می باشد و در واقع این ماشین ، نیز افزارهای نبرد است و آنچه باید کرد این است که نبرد را از میان برداریم و آیین زندگی را به ممدستی و همدوشی گردانیم ، در آن حال ماشین هیچ زیانی نخواهد داشت و سراپا سود خواهد بود ، (پرچم روزانه ، شماره ، سال ۱۳۲۱) .

کسروی پس از چاپ بخش یکم « آیین » چند مقاله بنام « پایان کار اروپا چه خواهد بود ؟ » و « زندگی زور و نیرنگ » در شفق سرخ چاپ کرد .

بخش یکم « آیین » را کسروی خود به عربی ترجمه کرد . نوشته اوست : « سعادت مند محمد طلعت حرب پاشا ، رئیس بانک دولتی مصر که یکی از بزرگان آن سرزمین میباشند ... از زبان یکی از دانشمندان ایران که اکنون در مصر زندگی دارند گفتگوی « آیین » را شنیده و خواستار ترجمه آن به عربی شده بودند که با خرج خود چاپ نمایند . چون ما آن را (بخش یکم « آیین ») را ترجمه کرده فرستادیم اینک به تازگی خبر رسیده که در « مطبعه مصر » به چاپ آن

شروع کرده اند « (مهنامه پیمان ، سال دوم) . وچندی پس از آن خبر چاپ و بخش «الطریقه» داده شده است (نگاه شود به : پیمان ، شماره پنجم ، سال دوم صفر ، ۲۹۶)

فیز، هر دو بخش «آیین» را میرزا محمدخان خانبهادر (محمد احمد) به خواهش يك خانم امریکایی که نام «آیین» را شنیده و به علت پارسی ندانستن از خواندن آن بی بهره بوده ... به انگلیسی ترجمه نمود ، (پیمان ، شماره دوازدهم ، سال دوم ، صفحه ۳۴) . و شنیدم که بخش هایی از «آیین» در همان زمان در روزنامه های انگلیس و فرانسه و آلمان ترجمه و چاپ شد .

کسروی از سال دوم «پیمان» یکرشته گفتارهایی بنام «راه رستگاری» در آن مهنامه نوشت که چنانکه خود نوشته است (پیمان ، شماره هفتم . سال دوم صفحه ۴۲۵) بخشی از جلد سوم «آیین» بوده است که می خواسته است به صورت کتاب چاپ کند .

برخی از نوشته های کتاب «آیین» با آنچه که او سالها پس از آن نوشت با هم نمی خواند و این خود نشانه تحول و تکامل فکری اوست .

۱۳- قانون دادگری ، ۱۳۱۲ .

این کتاب را خانبهادر (محمد احمد) به انگلیسی ترجمه کرده و در لندن به چاپ رساند (پیمان ، شماره پنجم ، سال دوم ، صفحه ۲۹۶) .

۱۴- تاریخ پانصد ساله خوزستان ، ۱۳۱۲ .

این کتاب در دو بخش است . بخش نخست در تاریخ مشعشعیان ، و بخش دوم در تاریخ کعبیان . بخش دوم این کتاب با تجدید نظر کامل بنام «مشعشعیان» یا بخشی از تاریخ خوزستان ، در ۱۳۲۴ چاپ شد .

کسروی درباره «تاریخ پانصد ساله خوزستان» می نویسد : «میرزا محمد خانبهادر آن را به انگلیسی ترجمه کرده ولی از چاپش آگاهی ندارم ، (نامه همبستگی ، شماره بیستم ، تیر مرداد ۱۳۴۷ : نامه کسروی) .

۱۵- مقدمه بر «غاف نامه» (مجموعه شعرا سید کریم امیری فیروزکوهی) کتابفروشی مهر ، تهران ، ۱۳۱۳ .

۱۶- تاریخ هیجده ساله آذربایجان ، شش بخش ، سال های ۱۳۱۳ ، ۱۳۱۴ و ۱۳۱۶ ، ۱۳۱۷ ، ۱۳۱۸ ، ۱۳۱۹ ، همراه سال های ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ ماهنامه

پیمان چاپ شده است .

۱۸- گلچینی از کتاب پلوتارخ ، ۲ جلد ، ۱۳۱۵ .

۱۹- راه‌رسنگاری ، ۱۲۱۶

۲۰- تاریخ مشروطه ایران ، سه بخش ، سال‌های ۱۳۱۹ ، ۱۳۲۰ ، و

۱۳۲۱ چاپ شده است .

۲۱- امروز چه باید کرد ؟ مهرماه ۱۳۲۰ .

متن کتاب ، سخنرانی کسروی است که نخست بار در سال ۱۳۲۰ در مهنامه

پیمان چاپ شده است .

۲۲- پیام به دانشمندان اروپا و آمریکا ، ۱۳۲۱ .

این کتاب به انگلیسی ترجمه شده است . عنوان انگلیسی کتاب :

A Message to European and American scientists

کتاب را آقای پیشداد (برادر محمداحمد - خانبهادر) ترجمه کرده است

و با هماد آزادگان آن را در نوامبر ۱۹۶۳ در تهران چاپ و پخش کرده است .

۲۳- حافظ چه میگوید . فروردین ۱۳۲۲ .

پیش از آن ، آقای محمود هومن کتابی به همین نام در سال ۱۳۱۷ چاپ

کرده بود .

۲۴- خدا با ماست ، اردیبهشت ۱۳۲۲ .

۲۵- در پیرامون رمان ، تیر ۱۳۲۲ .

۲۶- در پیرامون اسلام ، شهریور ۱۳۲۲ .

۴۷- در پیرامون خرد ، مهر ۱۳۲۲ .

۲۸- ورجاوند بنیاد ، بخش يك و دو ، ۱۳۲۲ .

این کتاب به زبان پارسی سره نوشته شده است و در سال ۱۳۲۴ ، رضا

سلطان‌زاده آن را به فارسی معمولی در آورده و چاپ کرده است .

بخش سوم ورجاوند بنیاد ، در سال ۱۳۲۳ چاپ شده است .

کسروی در بخش یکم ورجاوند بنیاد می‌نویسد : « این کتاب که در چهار

بخش پایان خواهد یافت همه گویا کها و آموزا کهای مارا در زمینه جهان و

زندگانی در بر خواهد داشت و جز این اگر خدا خواهد تنها کتاب ، ورجاوند

خواناك ، خواهد بود . »

در بخش سوم « ورجاوند بنیاد » نیز نوید چاپ بخش چهارم آن داده شده است. نوشته خود اوست: « بخش چهارم که درباره زندگانی خانوادگی خواهد بود بزودی به چاپ آن آغاز خواهیم کرد ». از این سخن کسروی پیداست که بخش چهارم کتاب را نوشته بوده است. دلیل دیگر بر این معنی سخنان خود اوست که در پرچم هفتگی (شماره دوم، سال ۱۳۲۳، صفحه نهم) چاپ شده و آن این است: « ما را تا کنون آیینی درباره راه انداختن مردگان و رفتار پذیرایی با بازماندگان ایشان نبوده، ولی از این پس باید بود. در یکی از بخش های چاپ نشده (ورجاوند) بنیاد در این باره سخنانی هست. سپس (کسروی) جمله هایی را از روی نوشته ای خواند: « پایان زندگی در این جهان مرگ است. به مرده شیون نکنید. گریبان ندرید. به سخنان بیبوده بر نخیزید. مرده را چنان گیرید که زنده اش بوده... ».

این کتاب را کسروی به زبان عربی هم فرشته، ولی نمیدانم چاپ شد یا نه. در پشت جلد کتاب « النشع والشیعة » می نویسد: « الاساس المقدس: و هذا الكتاب قد ترجم الى البریه ولما يطبع ».

۲۹- سوفیگری، آبان ۱۳۲۲.

۳۰- فرهنگ چیست؟ آبان ۱۳۲۲.

۳۱- زبان پاک، ۱۳۲۲.

۳۲- یکم آذر، آذر ۱۳۲۲.

۳۳- یکم ذیماه، دیماه ۱۳۲۲.

۳۴- پندارها، دیماه ۱۳۲۲.

۳۵- شیعیگری، بهمن ۱۳۲۲.

این کتاب بنام « بخوانید و داوری کنید » چاپ شد و غوغایی برانگیخت و نوشته هایی به زبان کسروی چاپ شد. از جمله مقالاتی در روزنامه « بدرمنیر » کیلان به چاپ رسید که کسروی هم بدان پاسخ داده است (نگاه شود به: دفتر فروردین ماه ۲۳۲۴، صفحه ۸۷) .

۳۶- بهائیگری، بهمن ۱۳۲۲.

۳۷- شیخ صفی و تبارش، بهمن ۱۳۲۲ (تاریخ بخش کتاب: آغاز

سال ۱۳۲۳) .

- این کتاب چنانکه خود کسروی نوشته است ، در سال ۱۳۰۶ در تهران نوشته شده است و کوتاه شده آن در ماهنامه «آینده» چاپ شده است .
- کسروی در این کتاب این معنی را اثبات کرده است که شیخ صفی نیای بزرگ شاه اسمعیل سنی شافعی بوده است ؛ و از زمان شیخ صفی تا شاه اسمعیل که دو بیست سال کمابیش میگذشته در خاندان صفویان سه دیگر گونی رخ داده است :
- (۱) شیخ سید نمی بوده و نبیرگان اوسید شده اند .
- (۲) شیخ سنی می بوده و نبیره او (شاه اسمعیل) شیخی سنی کش در آمده است .
- (۳) شیخ فارسی زبان می بوده و بازماندگان اوزبان ترکی را پذیرفته اند .
- ۳۸- در پاسخ بدخواهان ، تیر ۱۳۲۳ .
- این کتاب را کسروی در پاسخ دفتری بنام « تناقضات پیمان و پرچم » (که بنام ساختگی م . توحیدی ، در همان سال ۱۳۲۳ در چاپخانه علمیه در تبریز چاپ شده است) نوشته است .
- ۳۹- سیزدهم مرداد ، مرداد ۱۳۲۳ .
- ۴۰- در پیرامون ادبیات ، ۱۳۲۳ .
- ۴۱- کاروبیشه و پول ، مهر ۱۳۲۳ .
- این کتاب را رضا سلطانزاده به فارسی معمولی در آورده و در سال ۱۳۲۳ چاپ کرده است .
- ۴۲- دین و جهان ، آذر ۱۳۲۳ .
- ۴۳- یکم آذر ، آذر ۱۳۲۳ .
- ۴۴- گفت و شنید ، آذر ۱۳۲۳ .
- ۴۵- داد گاه ، آذر ۱۳۲۳ .
- در ماهنامه سخن (شماره یکم ، سال دوم ، دیماه ۱۳۲۳ ، ص ۶۶-۶۵) از این کتاب معرفی و نقدی به امضای ش - ن (ظ = شهید نورایی) چاپ شده است .
- ۴۶- یکم دیماه ، دیماه ۱۳۲۳ .
- ۴۷- دولت بما پاسخ دهد ، دیماه ۱۳۲۳ .
- ۴۸- بهمن ماه ، بهمن ۱۳۲۳ .

- ۴۹- فرهنگ است یا نیرنگ؟ بهمن ۱۳۲۳ .
- ۵۰- افسران ما ، اسفند ۱۳۲۳ .
- ۵۱- خراهران و دختران ما ، ۱۳۲۳
 درماهنامه سخن (شماره دوم ، سال دوم ، بهمن ۱۳۲۳ ، ص ۱۵۱-۱۴۹)
 این کتاب معرفی و نقد شده است .
- ۵۲- زندگانی من ، ۱۳۲۳ .
- ۵۳- ده سال درعدلیه ، ۱۳۲۳ .
- ۵۴- چرا ازعدلیه بیرون آمدم ؟ ۱۳۲۳ .
- ۵۵- تاریخچه چپق وقلیان ، ۱۳۲۳ .
- ۵۶- درپاسخ حقیقت گو (یا : گفتاری ازپیمان) ، فروردین ۱۳۲۴ .
 این کتاب مجموعه ای است ازچند مقاله در پاسخ کسی که به نام ساختگی
 «حقیقت گو» برنوشته های کسروی خرده گیری کرده بود و آن مقالات نخست در
 سال پنجم « پیمان » (درسال ۱۳۱۸) چاپ شده بوده است .
 چاپ این کتاب درپایان سال ۱۳۲۳ انجام پذیرفته و درآغازسال ۱۳۲۴
 پخش شده است .
- ۵۷- درراه سیاست ، تیر ۱۳۲۴ .
- ۵۸- گفت و گو (یا : استاد رجب علی دین یاد میگیرد) ، شهریور ۱۳۲۴ .
 این کتابچه بدون نام نویسنده چاپ شده و به گفته آقای حسین یزدانینان
 نوشته خود کسروی است .
- ۵۹- حاجی های انباردارچه دینی دارند ؟ مهر ۱۳۲۴ .
 این کتابچه بدون نام نویسنده چاپ شده و به گفته یزدانینان نوشته
 کسروی است .
- ۶۰- شیخ قربان ازنجف می آید ، مهر ۱۳۲۴ .
 این کتابچه بدون نام نویسنده چاپ شده و به گفته یزدانینان نوشته
 کسروی است .
- ۶۱- عطسه به صبرچه ربط دارد؟ مهر ۱۳۲۴ .
 این کتابچه بدون نام نویسنده چاپ شده و به گفته یزدانینان نوشته
 کسروی است .

- ۶۲- مشعشعیان (یا بخشی از تاریخ خوزستان)، آبان ۱۳۲۴ .
 این کتاب چنانکه در پیش یاد شد ، بخش یکم از «تاریخ پانصد ساله خوزستان» است با تجدید نظر کامل . پس از چاپ این کتاب، مهندس قائم مقامی مقاله‌ای بنام «خاندان مشعشعی باذیل تاریخ مشعشعیان» نوشت که در ماهنامه «یادگار» (شماره نهم ، سال دوم) چاپ شده است .
- ۶۳- بدارالشریعة شمر سروده ، آذر ۱۳۲۴ .
 این کتابچه بدون نام نویسنده چاپ شده و به گفته آقای یزدانیان نوشته کسروی است .
- ۶۴- سرنوشت ایران چه خواهد بود؟ نوشته يك ایرانی ، آذر ۱۳۲۴ ،
 این کتاب را کسروی نوشته است . پس از چاپ این کتاب کتابی بنام «پاسخ به يك ایرانی» نوشته جهاندار» از سوی حزب توده چاپ و پخش شد .
 در پاسخ کتاب «جهاندار» یکی از «آزادگان» کتابی بدین نام و نشان در خرداد ۱۳۲۵ چاپ کرد :
- « پاسخ به پاسخ آقای جهاندار عضو حزب توده ایران، نوشته الف. ب. آزاده» . به گفته آقای یزدانیان این کتاب را آقای احمد براتلو نوشته است .
- ۶۵- در پیرامون جانوران ، آذر ۱۳۲۴ .
- ۶۶- جناب آقا از میدان در رفت ، دی ماه ۱۳۲۴ .
 این کتاب بدون نام نویسنده چاپ شده و به گفته آقای یزدانیان نوشته کسروی است .
- ۶۷- امروز چاره چیست ؟ نوشته يك ایرانی ، دی ماه ۱۳۲۴ .
 این کتاب را کسروی نوشته است .
- ۶۸- از سازمان ملل متفق چه نتیجه تواند بود ؟ نوشته يك ایرانی ، اسفند ماه ۱۳۲۴ .
- این کتاب نوشته کسروی است .
- ۶۹- در پیرامون روان ، ۱۳۲۶ .
 در پشت جلد کتاب «النشیمع والشیعة» درباره این کتاب (حول الروح) در رسد :
 « ونحن نأمل ان نترجم هذا الكتاب . . . الى العربية و جمعها » . اما
 نمیدانم که آن را به عربی ترجمه کرده است یا نه ؟

۷۰- پیدایش امریکا ، ۱۳۲۴ .

این کتاب بنوشته خود کسروی از روی کتابی به زبان ترکی عثمانی- که علیرضا نامی از انگلیسی ترجمه کرده بی آنکه نام نویسنده انگلیسی یا نام کتاب را یاد کند- پدیده آمده است ، بدین سان که نوشته‌های کتاب را برداشته و با افزایش و کاهش‌هایی کتابی گردانیده است :

۷۱- مردم یهود .

کسروی در واپسین ماه‌های زندگیش به نوشتن کتابی درباره یهودیگری و مسیحی‌گری دست یازید. چنانکه نوشته‌اند «گفتگوی بیشتر درباره مسیحی‌گری بودولی چون مسیحی‌گری خود زاده کیش یهود بود از این رونخت به این پرداخته و تاریخچه آنان را باز نمود . شانزده صفحه از این کتاب چاپ شده بود که آغاز به یک رشته کوشش‌های دیگری کرده و با کتابهای «سرنوشت ایران چه خواهد بود؟»، «امروز چاره چیست؟» و «از سازمان ملل متفق چه نتیجه تواند بود؟» و «انگیزسیون در ایران»، پرداخت که سه‌تای آنها چاپ و چهارمی همچنان ناانجام ماند» (دفتر دیماه ۱۳۲۵، صفحه ۲۶).

شانزده صفحه از این کتاب در دفتر دیماه و دفتر بهمن و اسفند ماه سال ۱۳۲۵ چاپ شد . یک صفحه هم از این کتاب که در چاپخانه فراموش کرده بودند حرف چینی بکنند بعدها در دفتر فروردین ماه سال ۱۳۲۶، صفحه ۶۴ چاپ شده است. این شانزده صفحه در سال ۱۳۲۴، جداگانه هم چاپ شده است.

۷۲- انگیزسیون در ایران.

چهل صفحه از این کتاب در سال ۱۳۲۴ چاپ شده بود که کسروی کشته شد. این چهل صفحه در دفتر فروردین ماه سال ۱۳۲۶ و دفتر اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۶ و دفتر خرداد و تیر سال ۱۳۲۶ و دفتر مرداد و شهر یور سال ۱۳۲۶ چاپ شده است. نوشته‌اند که «این کتاب ... چنانکه خود راهنما (= کسروی) میگفت و از نوشته‌هایش پیداست همچون کتاب دادگاه خواستی بود و بسیاری از رازهای «کمپانی خیانت» که در آن جا نوشته نشده و یا سر بسته گفته شده بوده در این کتاب فاش و روشن خواستی گردید و یک رشته از بدخواهی‌های این کمپانی به توده ایرانی آفتابی خواستی شد ، لیکن افسوس که با کشته شدن نویسنده اش ... این

کتاب همچنان ناانجام ماند . . . (دفتر فروردین ماه ۱۳۲۶ ، چاپ باهماد آزادگان) .

۷۳- نوروزنامه ، گردآورده یحیی ذکاء ، ۱۳۲۶ .

چنانکه در صفحه یکم «نوروزنامه» یاد گردیده : « همه گفتارهای این نامه به جز دو گفتار از مهنامه پیمان و کتاب‌های پاکدینی گلچین شده است . »

۷۴- نیک و بد ، ۱۳۲۶ .

مجموعه مقالاتی است درباره «نیک و بد» که در ماهنامه «پیمان» یکبار چاپ شده بوده است .

۷۵- مقالات کسروی ، گردآورده یحیی ذکاء ، بخش یکم ، ۱۳۲۶ ، بخش

دوم ۱۳۳۴ .

این دو جلد همه مقالات کسروی را در بر ندارد . مثلاً مقاله‌ای که کسروی در روزنامه «چمن» چاپ مشهد نوشته و مقاله‌ای که در روزنامه «تجدد» چاپ تبریز درباره گورنادرشاه نوشته است (نگاه شود به : زندگانی من ، چاپ تازه ، صفحه ۱۰۷) در «مقالات کسروی» نمی‌یابیم . همچنین است مقالاتی چند که در ماهنامه ارمنان نوشته است مانند مقاله « دو کتاب سودمند » (ارمنان ، سال یازدهم ، شماره‌های یازده و دوازده) که یکی انتقادی است درباره «جغرافیای تاریخی ایران» نوشته بارتولد ، ترجمه طالب‌زاده ؛ و دومی درباره کتاب « الفیلسوف الفارسی الکبیر صدرالدین شیرازی » است و آن کتابی است به زبان عربی ، تألیف حاجی میرزا ابو عبدالله مجتهد زنجانی ، چاپ دمشق . خواندن این مقاله کسروی بویژه برای آشنایی به سیر تحول فکری او بسیار سودمند تواند بود . نیز مقاله‌ای از او در ماهنامه « ارمنان » (سال چهاردهم) ، شماره یکم دودوم ، فروردین واردیبهشت ۱۳۱۲) بنام « شرق و غرب » چاپ شده است .

در «فهرست مقالات فارسی» تألیف آقای ایرج افشار تعدادی از مقالات کسروی که در «پیمان» و «ایران شهر» و «ارمنان» و «فروغ» و «نوبهار» و «آینده» و . . . چاپ شده ، ثبت گردیده است که پژوهندگان را سودمند تواند بود .

تنها این نکته را باید یاد کرد که در کتاب با ارزش «فهرست عمده آثار فارسی» مقاله «چگونه دچار لغزش می‌شوند» و مقاله « شمال - جنوب - مشرق مغرب » و

مقاله «انتقاد مقاله راجع به طرزی افشار» در دوجلد «مقالات کسروی» و «چهل مقاله کسروی» آمده است .

گذشته از این مقالات ، یکرشته مقالات از کسروی به نام «آذربایجان فی ثمانیه عشر عاماً» در ماهنامه «العرفان» چاپ سیدا به چاپ رسیده است . موضوع آن تاریخ هژده ساله آذربایجان (از ۱۳۲۴ قمری تا ۱۳۴۲ قمری) و رویدادهای مهم آن دوران است .

دیگر متن سخنرانی اوست در شب یکشنبه دهم جمادی الاولی ۱۳۴۳ قمری (۱۵ آذر ۱۳۰۳ خورشیدی) در مجلس جشنی که بمناسبت شکست خزعل و درآمدن سپاهیان دولت به خوزستان برپا شده بود و آن در نامه همبستگی ، شماره بیستم ، تیر و مرداد ۱۳۴۸ ، آمده است . مقاله دیگری هم از او در هنگامی که گفتگوی پادشاهی سردار سپه بوده ، در جبل‌المتین چاپ شده است که از جهاتی درخور توجه است . کسروی به این مقاله در کتاب «ده سال در عدلیه» خود اشاره کرده و چند سطری از مضمون آنرا در آن کتاب آورده است نگاه شود به زندگانی من (با ده سال در عدلیه ، و چرا از عدلیه بیرون آمدم ، صفحه ۲۳۲) .

۷۶- کافنامه ، گردآورده یحیی ذکاء ، ۱۳۳۰ .

۷۷- مقالات کسروی ، گردآورده یحیی ذکاء ، ۱۳۳۴ .

۷۸- پاکخویی ، گردآورده میرمهدی موبد ، بدون تاریخ چاپ

(ظ : ۱۳۳۴)

مجموعه مقالاتی است از کسروی که در «پیمان» و «آیین» و «پرچم نیمه ماهه» چاپ شده بوده است .

۷۹- زبان فارسی و راه رسا و توانا گردانیدن آن ، گردآورده یحیی

ذکاء ، ۱۳۳۴ .

۸۰- چهل مقاله کسروی ، گردآورده یحیی ذکاء ، ۱۳۳۵ .

برگزیده‌ای است از برخی از مقالات کسروی که پیش از آن نیز چاپ شده بوده است .

۸۱- مشروطه بهترین شکل حکومت و آخرین نتیجه اندیشه نژاد آدمی است ،

گردآورده «باهامد آزادگان» ، ۱۳۳۵ .

مقالاتی است از کسروی درباره مشروطه ایران ، که در «مهنامه مرداد

- ۱۳۲۴، و پرچم روزانه، و درجاوند بنیاد، چاپ شده بوده است.
- ۸۲- انقلاب چیست؟ گردآورده «بাহاماد آزادگان»، ۱۳۳۶.
- چند مقاله است از کسروی که در پرچم نیمه ماهه، و «پرچم» چاپ شده بوده است.
- ۸۳- فرهنگ کسروی، گردآورده یحیی ذکا، ۱۳۳۶.
- بیشتر واژه‌هایی که کسروی در نوشته‌هایش بکار می‌برد در این «فرهنگ» آمده است.
- ۸۴- ما از فرهنگ چه می‌خواهیم؟ گردآورنده و چاپ‌کننده، محمدعلی پایدار، ۱۳۳۶.
- در این کتابچه مقالاتی از «درجاوند بنیاد» و «پرچم روزانه» نوشته کسروی و نوشته‌هایی از دو تن دیگر آمده است.
- ۸۵- دین و دانش، ۱۳۳۹.
- مقاله‌ای است از کسروی که یکبار در «پیمان» چاپ شده بوده است.
- ۸۶- ما چه می‌خواهیم، ۱۳۳۹.
- مجموعه‌ای است از برخی از مقالات کسروی که پیش از این چاپ شده بوده است.
- ۸۷- سخنرانی کسروی در انجمن ادبی، ۱۳۴۳.
- متن این سخنرانی نخست بار در «پیمان» چاپ شده بوده است.
- ۸۸- پیام من به شرق، ۱۳۴۴.
- از مقالات کسروی است که نخست بار در «پیمان» چاپ شده بوده است.
- ۸۹- در پیرامون فلسفه، ۱۳۴۴.
- چند مقاله درباره «فلسفه» است که نخست بار در «پیمان» چاپ شده بوده است.
- ۹۰- تیشه‌های سیاست، ۱۳۴۴.
- مقاله‌ای است از کسروی که یکبار هم چاپ شده بوده است.
- ۹۱- بررسی‌هایی در تاریخ ایران، گردآورده حسین بزدانیان، چاپ‌دستی خرداد ۱۳۴۶.
- مجموعه‌ای است از نوشته‌های کسروی در شیوه تاریخ‌نویسی بیشتر آنها از

دوره هفت ساله «پیمان» گردآوری شده است .

۹۲- بیماریها ، ۱۳۴۷ .

کتابی از کسروی است که از شماره بیست و یکم نامه «همبستگی» (دوره

نویسنده شهر یور ۱۳۴۷) به چاپ رسیده است .

ب - نوشته‌های چاپ نشده کسروی

۱- در کتاب «زندگانی من» مینویسد که در قوچان در باره زمین لرزه سختی

که قوچان را زیر و رو کرده بوده است جستجوهای کرده و درباره قوچان کهن و نو ، آگاهی‌های خود را یادداشت کرده است . نمیدانیم که این یادداشت‌ها کیجاست ؟

۲- در کتاب «ده سال در عدلیه» می‌نویسد که در یک ماه که در قزوین

بوده ، جستجوها و یادداشت‌هایی در باره آن شهر کرده است . نمیدانیم این یادداشت‌ها بازمانده است یا ازین رفته است ؟

۳- تقویم روزگار . کتابی است در تطبیق پنج تاریخ خورشیدی ، قمری ،

میلادی ، یزدگردی و ارمنی ، از سال یکم هجری تا سال ۱۳۲۰ خورشیدی ، در سه بخش . در این کتاب شماره‌ها را با رنگ سرخ ، روزها را با رنگ بنفش ، ماه‌ها را با رنگ سیاه ، و تاریخ یزدگردی را با رنگ سبز نوشته است . یک ستون هم ویژه رویدادهای سال و ماه و روز است که همه را ننوشته است .

آقای حسین یزدانیان که فنو کپی برگی از این کتاب را بمن داده است

از زبان کسروی میگفت من چشم‌هایم را سر این کتاب گذاردم . چون یک بار اشتباه کردم و ناچار شدم که دوباره با دشواری و سختی بسیار کار را از سر بگیرم .

۴- ورجاوند بنیاد (بخش چهارم) .

بیش از این در شماره (۲۸) در این باره سخن گفتیم . اینجا نیز یاد

می‌کنیم که بایستی دست کم بخشی از فرجامین بخش ورجاوند بنیاد نوشته شده باشد ، که البته اکنون درست نیست و پیدا نیست که چه شده است .

- نوشته‌اند : « اسناد و نوشته‌های خطی مرحوم کسروی که از نقطه نظر

تاریخی و ادبی ارزش فوق‌العاده دارد ، برای مصون بودن از هر نوع بلیه‌ای

توسط فرزند ارشد آن مرحوم ، جلال کسروی ، تحویل کتابخانه مجلس شورای گردیده و هم‌اکنون در کتابخانه مزبور نگهداری میشود. (تاریخ برگزیدگان امیرمسعود سپهر ، صفحه ۳۴۳) اما من در کتابخانه مجلس چنین چیزی نیافتم و شش سالی پیش درباره آثار بازمانده کسروی از برادرش پرسیدم ، ایشان گفت: شاهزاده خانم (زن چهارم کسروی) پس از کشته شدن برادرش ، گویا برخی از از نوشته‌های او را به دستور برادرش (که در نجف است و مجتهد است) سوزانده باشد .

این سخن برادر کسروی گمان نمی‌کنم درست باشد . درست است که شاهزاده خانم زنی سخت خرافی بود . این‌هم درست است که برادر او (شیخ محمدجواد آل راضی) در نجف بود و مجتهد هم بود . ولی چنانکه میدانیم این زن سرانجام «پاکدین» شد و از او نوشته چاپ شده‌ای در دست است که گواه این معنی و حکایتگر پشیمانی اوست از رفتاری که پیش از آن با شوهر خود داشته است (نگاه شود به . دفتر بهمن‌ماه و اسفند ماه ۱۳۲۴ ، صفحه ۳۵-۳۴ ، مقاله گوهر تاج گرجی نژاد [زن کسروی]).

کسروی خود نوشته است در زمانی که آیرم رئیس شهر بانی بود «در نتیجه يك بدگمانی بیجا ، نه روز مرا در شهر بانی نگه داشتند و همه کتاب‌ها و نوشته‌هایم را به اداره آگاهی آورده و صفحه به صفحه جستجو کردند که بسیاری از میان رفت» (روزنامه پرچم ، شماره ۱۲۹ ، سال یکم ، تیر ۱۳۲۱) .

آقای سید احمد خراسانی که زمانی از یاران کسروی بودند در مقالاتی که درباره برخی از مباحث ادبی و دستور زبان فارسی در ماهنامه دانش چاپ کردند تأثیر نوشته‌های کسروی را بخوبی در آنها می‌توان دید ، از زبان کسروی باز گفتند : زمانی از آکادمی شوروی نامه‌ای برای کسروی آمده بود و از او خواسته بودند که در صورت قبول عضویت آن انجمن علمی ، موافقت خود را برایشان بنویسد ، او هم نوشته بود : موافقم . نامه‌ها بدست پلیس افتاده بود . آمدند و تمام اوراق و کتابهایش را به شهر بانی بردند . در شهر بانی کسروی فهمیده بود که نامه‌های دیگری هم برایش آمده بوده است که به او نرسانده بودند . گزارش به رضا شاه داده بودند . گفته بود که اگر موضوع علمی است و لش‌کنند . و او را آزاد کردند

